

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۷۶۶۵۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۶۴۰

شرط اجتهاد در قاضی

دکتر خلیل اله احمدوند^۱

استادیار دانشگاه رازی

زهرا حاتمی

کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه رازی

چکیده

قضاوت به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای برقراری عدالت در نظام اسلامی، جایگاه ویژه ای در فقه دارد. برای اطمینان از صدور احکام عادلانه و منطبق با شریعت، فقه اسلامی شرایط خاصی را برای قاضی مقرر کرده است که یکی از مهم ترین آن ها اجتهاد است. اجتهاد به معنای توانایی استخراج احکام شرعی از منابع اصلی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است و تضمین می کند که قاضی بتواند در مسائل پیچیده، حکم واقعی الهی را با درک عمیق از اصول و قواعد شرعی استخراج کند.

این مقاله در ابتدا مفهوم اجتهاد و جایگاه آن در قضاوت را تبیین می کند و سپس به منابع فقهی معتبر از جمله شرائع الإسلام، جواهر الکلام، تحریر الوسیله و انوار الفقاهه به طور گسترده بر لزوم اجتهاد قاضی تأکید کرده اند و دلایل فقهی و اصولی برای لزوم این شرط می پردازد. دلایلی همچون پیشگیری از صدور احکام نادرست، توانایی انطباق حکم با مسائل جدید، و تضمین عدالت از مهم ترین استدلال های هستند که در تأیید شرط اجتهاد مطرح می شوند.



مباحث تطبیقی مقاله نیز تفاوت دیدگاه‌های فقه امامیه و اهل سنت را بررسی می‌کند. در فقه امامیه، اجتهاد شرطی اجماعی است و تقلید برای قاضی تنها در شرایط اضطراری پذیرفته می‌شود. اما در فقه اهل سنت، برخی از مذاهب مانند حنفی‌ها در شرایط خاص، قاضی مقلد را نیز مجاز می‌دانند.

در ادامه، مقاله به چالش‌های عملی شرط اجتهاد در نظام‌های قضایی معاصر پرداخته است. کاهش تعداد مجتهدان، پیچیدگی روزافزون موضوعات حقوقی، و لزوم تطبیق با نظام‌های قانونی مدرن از جمله مسائلی هستند که بازبینی و تکمیل این شرط را ضروری می‌سازند. به‌عنوان راهکار، پیشنهادهایی مانند آموزش گسترده فقهی برای قضات، استفاده از هیئت‌های مشاوره فقهی، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در استنباط احکام ارائه شده است. و در آخر نیز به بررسی دیدگاه قدمای موافق و مخالف اجتهاد و دیدگاه متأخرین موافق و مخالف اجتهاد پرداختیم. در نهایت، شرط اجتهاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تضمین عدالت در نظام اسلامی مطرح می‌شود، اما توجه به مقتضیات زمان و یافتن راه‌حلی برای جایگزینی یا تکمیل آن، نقش مؤثری در حفظ کارایی و مشروعیت قضاوت ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: اجتهاد، قاضی، فقه، قضاوت، عدالت، احکام

مقدمه

اهمیت قضاوت در اسلام: قضاوت یکی از جایگاه‌های حساس و کلیدی در جامعه اسلامی است که وظیفه اجرای عدالت و رفع خصومت‌ها را بر عهده دارد.

ضرورت وجود شرایط خاص برای قاضی: قاضی به دلیل مسئولیت سنگین خود باید دارای ویژگی‌هایی باشد که او را از خطا و انحراف در اجرای احکام شرعی باز دارد. یکی از این شروط مهم، اجتهاد است.

اجتهاد از ریشه عربی "جَهَد" به معنای تلاش و کوشش شدید است. این واژه به معنای به‌کارگیری حداکثر توان و نیرو برای رسیدن به هدفی خاص، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در زبان عربی، واژه اجتهاد غالباً دلالت بر تلاشی فراتر از حد معمول دارد.



بخش دوم: تفاوت اجتهاد در قضاوت با اجتهاد در فتوا

اجتهاد در قضاوت: قاضی با استفاده از اجتهاد، حکم شرعی را برای حل یک اختلاف خاص صادر می‌کند. این حکم فقط برای همان پرونده الزام‌آور است. اما اجتهاد در فتوا، مجتهد فتوا را به‌عنوان یک حکم کلی صادر می‌کند که در مسائل مشابه و برای عموم قابل استناد است.

بخش سوم: شرط اجتهاد در قضاوت از دیدگاه فقه اسلامی

فقه امامیه اجتهاد را شرطی اساسی و غیرقابل چشم‌پوشی برای قضاوت می‌داند. در این دیدگاه، قاضی باید مجتهدی جامع‌الشرایط باشد تا بتواند احکام شرعی را از منابع اصلی استخراج کند. این الزام ناشی از دو امر است:

ضرورت صدور احکام عادلانه و صحیح: مجتهد به دلیل تسلط بر اصول و فروع فقهی، می‌تواند از صدور احکامی ناعادلانه و ناسازگار با شریعت جلوگیری کند.

ارتباط مستقیم قضاوت با احکام الهی: قضاوت در نظام اسلامی امری الهی است و قاضی باید نماینده خداوند در اجرای عدالت باشد.

بخش چهارم: دیدگاه فقهی درباره شرط اجتهاد در امامیه

۱. جواهر الکلام: صاحب جواهر تأکید دارد که قاضی باید به مقام اجتهاد رسیده باشد. او می‌گوید:

"اجتهاد از شروط غیرقابل چشم‌پوشی در قضاوت است، زیرا قاضی با استنباط از منابع شرعی، می‌تواند اختلافات مردم را بر اساس عدالت الهی حل کند." وی اجتهاد را یکی از شروط غیرقابل چشم‌پوشی قاضی دانسته و دلایل زیر را مطرح کرده است:



الف) ادله شرعی بر لزوم اجتهاد:

روایات معتبر: صاحب جواهر به روایت مشهور امام صادق (ع) استناد می‌کند که می‌فرماید: «الْحُكْمُ حکمان: حکمٌ من الله عز وجل و حکمٌ من الناس. فما كان من الله فهو العدل، و ما كان من الناس فهو جور». این روایت نشان می‌دهد که قاضی باید بر مبنای حکم الهی قضاوت کند و اجتهاد برای دستیابی به این حکم لازم است.

اصل حفظ حقوق مردم: صاحب جواهر بر این باور است که تنها قاضی مجتهد می‌تواند حقوق مردم را به‌طور کامل حفظ کند، زیرا وی بر مبنای قواعد دقیق فقهی حکم می‌کند.

مخالفت با قاضی مقلد: صاحب جواهر قضاوت قاضی مقلد را مردود می‌داند، زیرا وی توانایی بررسی مستقیم احکام شرعی را ندارد و ممکن است در استنباط دچار خطا شود. (صاحب جواهر، جواهر الکلام، چاپ: بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴هـ - ۲۳:۲۳)

۲. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام: محقق حلی اجتهاد را از شروط لازم برای قاضی برمی‌شمارد و این شرط را در کنار عدالت، عقل، بلوغ و مرد بودن ذکر می‌کند. وی معتقد است که قاضی باید علم به احکام شرعی داشته باشد تا بتواند میان حق و باطل تمییز دهد. محقق حلی تأکید می‌کند که تقلید در امر قضاوت کافی نیست، زیرا ممکن است منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست شود. محقق حلی، قضاوت قاضی مقلد را تنها در موارد خاص و به شرط رجوع به فتوای مجتهدان معتبر می‌پذیرد.

شرائع الإسلام به وضوح بیان می‌کند که علاوه بر اجتهاد، عدالت و تقوای قاضی نیز نقش مهمی در صدور حکم عادلانه دارند.

او با استناد به ادله عقلی و نقلی بیان می‌کند که قاضی باید توانایی استنباط مستقیم احکام شرعی از منابع اسلامی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) را داشته باشد. وی تأکید می‌کند که اجتهاد برای حفظ عدالت در احکام قضایی ضروری است، زیرا تنها مجتهد می‌تواند حکم الهی را بدون خطا یا تقلید صادر کند. محقق حلی معتقد است که اجتهاد توانایی استخراج احکام از منابع اولیه را فراهم می‌کند و این توانایی قاضی را از وابستگی به دیگران بی‌نیاز می‌سازد.



۳. دیدگاه شهید اول و شهید ثانی: الف) دیدگاه شهید اول درلمعه دمشقیه: شهید اول شرط اجتهاد را امری ضروری دانسته و تأکید می کند که قاضی باید توانایی استخراج احکام از منابع را داشته باشد. او معتقد است که تقلید در قضاوت منجر به انحراف از عدالت می شود. (شهید اول، لمعه دمشقیه، چاپ: تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۳)

ب) دیدگاه شهید ثانی در شرح لمعه: شهید ثانی علاوه بر تأکید بر شرط اجتهاد، به تفصیل درباره قابلیت اجتهاد متجزی بحث می کند. او بیان می کند که در برخی موضوعات خاص، اجتهاد متجزی نیز می تواند کفایت کند، اما در احکام کلی، اجتهاد مطلق لازم است. (شهید ثانی، شرح لمعه، چاپ: تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۷۵: ۵۶)

۴. تحریر الوسیله: امام خمینی در تحریر الوسیله تصریح می کند که: "اجتهاد شرط اصلی قضاوت است و در نبود مجتهدی واجد شرایط، قضاوت باید به فقهایی مقلد یا قوانین مصوب ارجاع داده شود

امام خمینی تنها در شرایط خاص و اضطراری، قضاوت قاضی مقلد را قابل قبول می داند، مشروط بر اینکه او از فتوای یک مجتهد عادل تقلید کند. در کنار اجتهاد، امام خمینی بر عدالت، تقوا و تسلط بر مسائل حقوقی تأکید می کند. (امام خمینی، تحریر الوسیله، چاپ: قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۰ هـ: ۱۵۰).

۵. انوار الفقاهه فی شرح العروه الوثقی: کتاب انوار الفقاهه تألیف آیت الله سید حسن بجنوردی، شرح مفصلی بر کتاب عروه الوثقی است که مسائل فقهی از جمله قضاوت را با دقت بررسی می کند. در انوار الفقاهه آمده است که اجتهاد از شروط لازم برای قاضی است، زیرا قضاوت بدون اجتهاد، خطر صدور حکم خلاف شرع را افزایش می دهد. بجنوردی تصریح می کند که قاضی باید قدرت استنباط داشته باشد تا بتواند در مسائل مستحدثه و موضوعات پیچیده تصمیم بگیرد. قضاوت مستلزم فهم عمیق از قرآن، سنت و قواعد اصولی است که تنها با اجتهاد حاصل می شود. بجنوردی اشاره می کند که اگر قاضی غیرمجتهد حکمی دهد که باعث بی عدالتی یا ضرر شود، این خلاف قاعدهی شرعی لاضرر است. (آیت الله سید حسن بجنوردی، انوار الفقاهه فی شرح العروه الوثقی، چاپ: تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۰ هـ: ۲۵۲)



عردیدگاه آیت‌الله خویی در مصباح الفقه: آیت‌الله خویی در مصباح الفقه شرط اجتهاد را یکی از ارکان اصلی قضاوت دانسته و بیان می‌کند که اجتهاد برای فهم دقیق احکام الهی و اجرای عدالت ضروری است. دلایل آیت‌الله خویی:

حجیت علم قاضی مجتهد: آیت‌الله خویی تأکید می‌کند که علم قاضی مجتهد به دلیل استناد مستقیم به منابع شرعی، حجیت دارد و موجب اطمینان به صحت احکام می‌شود.

پرهیز از خطای قضایی: وی بیان می‌کند که قاضی مقلد ممکن است به دلیل ضعف در تحلیل فقهی، دچار خطا شود و حقوق افراد تضییع گردد. (آیت‌الله خویی، مصباح الفقه، چاپ: بیروت، دار المحجّة البيضاء، ۱۴۰۰ هـ: ۲۳۴).

بخش پنجم: شرط اجتهاد از دیدگاه اهل سنت

الف) جایگاه اجتهاد در مذاهب اهل سنت

در میان مذاهب اهل سنت، اجتهاد به عنوان یک ویژگی مطلوب برای قاضی مطرح است، اما همه مذاهب آن را شرط مطلق نمی‌دانند. این تفاوت به نگرش‌های مختلف آن‌ها در مورد تقلید و اجتهاد بازمی‌گردد:

۱. مذهب حنفی: قاضی می‌تواند مقلد باشد و بر اساس فتاوی فقهای پیشینیان حکم کند، مگر در مواردی که نیاز به اجتهاد جدید باشد.

۲. مذهب شافعی: اجتهاد شرط لازم است و قاضی باید توانایی استنباط از منابع را داشته باشد.

۳. مذهب مالکی و حنبلی: این دو مذهب نیز اجتهاد را برای قاضی ترجیح می‌دهند، اما در صورت نبود مجتهد، تقلید را نیز مجاز می‌دانند.

دلیل طرفداران اجتهاد: قاضی باید توانایی استنباط داشته باشد تا بتواند احکام شرعی را متناسب با شرایط زمان و مکان تطبیق دهد.



دلیل مخالفان اجتهاد مطلق: برخی معتقدند که اجتهاد مطلق برای همه قضات ضروری نیست و قاضی می‌تواند با تقلید از نظرات مجتهدان گذشته به عدالت دست یابد.

اشتراکات: تمامی منابع فقهی معتبر بر اهمیت شرط اجتهاد در قضاوت تأکید دارند. دیدگاه غالب این است که تقلید در قضاوت موجب بی‌عدالتی می‌شود.

اختلافات: برخی فقها (مانند شهید ثانی) اجتهاد متجزی را در برخی شرایط کافی می‌دانند، در حالی که اکثریت بر اجتهاد مطلق تأکید دارند. فقهایمانند امام خمینی و صاحب جواهر قضاوت مقلد را در شرایط خاص جایز می‌دانند، اما با نظارت مجتهد جامع‌الشرایط.

بخش ششم: استدلال‌های اصولی برای شرط اجتهاد

-قاعده تطابق حکم با حکم واقعی: اجتهاد تضمین می‌کند که حکم قاضی به حکم واقعی شرعی نزدیک‌تر باشد.

قاعده لاضرر و لاجرح: اجتهاد قاضی می‌تواند از صدور احکامی که به ضرر جامعه یا فرد منجر می‌شود، جلوگیری کند.

• شرط اجتهاد در منابع فقهی

-آیات قرآن: آیه ۵۸ سوره نساء ("إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...") بر لزوم داوری عادلانه تأکید می‌کند.

- روایات معصومین: امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر بر علم و عدالت قاضی تأکید می‌کند.

بخش هفتم: دلایل اجماع فقهای امامیه بر شرط اجتهاد

فقهای امامیه، شرط اجتهاد را بر پایه دلایل عقلی و نقلی استوار کرده‌اند:



۱. دلیل عقلی: قضاوت، تصمیم‌گیری در امور پیچیده و حساس حقوقی است که نیازمند فهم دقیق از اصول شرعی است. مجتهد با توانایی علمی خود می‌تواند به عدالت واقعی دست یابد.

۲. دلیل نقلی: روایات متعدد از ائمه معصومین (ع) بر لزوم تسلط قاضی بر احکام الهی تأکید دارند. از جمله روایت معروف امام صادق (ع): "مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي خَلَالِنَا وَحَرَامِنَا... فَاجْعَلُوهُ عَلَيْهِمْ قَاضِيًا."

۱. دلایل عقلی برای شرط اجتهاد

الف) ضرورت شناخت دقیق منابع شرعی: یکی از مهم‌ترین دلایل عقلی برای شرط اجتهاد در قضاوت، ضرورت فهم و استنباط صحیح از منابع اسلامی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است. قاضی، برخلاف سایر مشاغل حقوقی، باید بتواند احکام الهی را مستقیماً از منابع استخراج کند. این توانایی، بدون اجتهاد، امکان‌پذیر نیست.

ب) جلوگیری از خطای قضایی: قضاوت یک مسئولیت حساس است و هرگونه خطا در صدور حکم می‌تواند به ظلم و بی‌عدالتی منجر شود. قاضی مجتهد، به دلیل تسلط بر اصول فقه و قدرت استنباط، کمتر دچار اشتباه می‌شود. همچنین، وی می‌تواند با تشخیص دقیق شرایط و دلایل هر پرونده، حکم عادلانه‌ای صادر کند.

ج) استقلال فکری قاضی: قاضی مجتهد نیازی به تقلید از دیگران ندارد و می‌تواند با استفاده از دانش و توانایی استنباط خود، احکامی مستقل و بر پایه عدالت صادر کند. این استقلال، قضاوت را از وابستگی به نظرات دیگران یا قوانین غیرشرعی محافظت می‌کند.

د) انطباق با مسائل جدید:

با توجه به تغییرات اجتماعی و ظهور مسائل جدید، قاضی باید توانایی تطبیق اصول شریعت با شرایط نوین را داشته باشد. اجتهاد این امکان را فراهم می‌کند که قاضی بتواند در مواجهه با موضوعات جدید، حکم مناسب را صادر کند.



۲. دلایل نقلی برای شرط اجتهاد

الف) آیات قرآن کریم

۱. آیه ۴۴ سوره مائده: "وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ." این آیه بر اهمیت حکم کردن بر اساس آنچه خداوند نازل کرده است، تأکید دارد. قاضی برای تحقق این امر باید توانایی استخراج احکام از منابع شرعی را داشته باشد که تنها با اجتهاد امکان‌پذیر است.

۲. آیه ۱۰۵ سوره نساء: "إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ." این آیه خطاب به پیامبر (ص) است و حکم به قضاوت بر اساس علم الهی دارد. فقها این آیه را دلیلی بر لزوم آگاهی عمیق قاضی از احکام الهی می‌دانند.

ب) روایات معصومین (ع)

۱. حدیث امام صادق (ع): "مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي خَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا... فَاجْعَلُوهُ عَلَيْكُمْ قَاضِيًا." این روایت، آگاهی به احکام شرعی و توانایی استنباط را از شرایط قضاوت می‌داند.

۲. حدیث نبوی درباره قاضیان: پیامبر (ص) فرموده است: "الْقَضَاءُ ثَلَاثَةٌ: قَاضٍ فِي الْجَنَّةِ وَاثْنَانِ فِي النَّارِ. فَأَمَّا الَّذِي فِي الْجَنَّةِ فَقَاضٍ عَرَفَ الْحَقَّ فَقَضَى بِهِ..." تنها قاضی‌ای که حکم به حق می‌دهد، در بهشت است. این حدیث نشان‌دهنده اهمیت علم و دانش قاضی در صدور حکم عادلانه است.

الف (استدلال‌های دیدگاه قدما موفق) مانند شیخ طوسی و ابن‌ادریس حلی

قدما معمولاً اجتهاد را شرط اساسی قضاوت می‌دانستند و بر این باور بودند که بدون اجتهاد، قضاوتی صحیح و منطبق بر شریعت ممکن نیست.



بخش هشتم: لزوم شناخت مستقیم از منابع شرعی

شناخت مستقیم از منابع شرعی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای قضاوت در فقه اسلامی است، زیرا قضاوت به‌طور مستقیم با احکام الهی و اجرای عدالت سر و کار دارد. قاضی برای صدور حکم شرعی، باید به قواعد و اصول فقهی که ریشه در این منابع دارند، مسلط باشد. این شناخت، او را قادر می‌سازد تا احکام مربوط به موضوعات مختلف را به‌درستی استنباط کند و به نصوص شرعی وفادار بماند.

به‌عنوان مثال، قرآن در آیاتی مانند «لَتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» (نساء: ۱۰۵) بر اهمیت درک مستقیم احکام الهی تأکید کرده است. این آیه نشان می‌دهد که قاضی باید به وحی و مقاصد شریعت تسلط داشته باشد تا بتواند بر اساس آن میان مردم داوری کند. در غیر این صورت، قاضی صرفاً به تقلید از دیگران محدود می‌شود که ممکن است عدالت را مخدوش کند.

علاوه بر این، بسیاری از مسائل قضایی، مانند دعاوی پیچیده مالی یا مسائل خانوادگی، در متون صریح وجود ندارند و نیاز به اجتهاد پویا دارند. قاضی که توانایی استنباط از منابع شرعی را ندارد، ممکن است در مواجهه با چنین موضوعاتی سردرگم شود یا حکم اشتباه صادر کند. - (شیخ طوسی، العده، چاپ: قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۰ هـ - ۱۳۰۰ هـ).

همچنین در فقه اسلامی، منابع شرعی از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر هستند و استفاده صحیح از آنها نیازمند دانش اجتهادی است. برای مثال، قاضی باید بتواند میان عمومات و خصوصیات نصوص، مطلق و مقید، و ناسخ و منسوخ تمایز قائل شود. بدون این مهارت، احتمال دارد احکامی صادر کند که با مقاصد کلی شریعت ناسازگار باشد.

در نتیجه، شناخت مستقیم از منابع شرعی، توانایی قاضی در تفسیر دقیق و اجرای صحیح قوانین الهی را تضمین می‌کند و از انحرافات احتمالی جلوگیری می‌نماید. این دلیل است که بسیاری از فقهای قدیم و متأخرین، اجتهاد را برای قضاوت امری الزامی دانسته‌اند.



بخش نهم: پیشگیری از خطا در قضاوت

قضاوت یکی از حساس‌ترین وظایف در نظام اسلامی است و کوچک‌ترین خطا در آن می‌تواند به بی‌عدالتی و تضییع حقوق افراد منجر شود. قاضی برای جلوگیری از خطا، باید به منابع شرعی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) مسلط باشد و توانایی استنباط دقیق احکام را داشته باشد. این تسلط، قاضی را از صدور احکام نادرست و تناقض‌آمیز حفظ می‌کند.

یکی از موارد پیشگیری از خطا، توانایی قاضی در تطبیق اصول شرعی با شرایط خاص هر پرونده است. برای مثال، در دعاوی پیچیده‌ای که نص صریح در قرآن یا سنت وجود ندارد، قاضی مقلد ممکن است دچار سردرگمی شود و حکم نادرستی صادر کند. اما قاضی مجتهد با استفاده از اصول فقهی، مانند قاعده «لاضرر» یا «احتیاط»، می‌تواند راه‌حل شرعی مناسب را پیدا کند.

از سوی دیگر، قاضی مقلد ممکن است در صورت اختلاف میان فتاویٰ مجتهدان دچار اشتباه شود، چراکه فاقد ابزار لازم برای تشخیص حکم صحیح است. اما قاضی مجتهد با دانش اجتهادی خود می‌تواند میان آراء مختلف فقهی مقایسه کرده و به حکم عادلانه برسد. (ابن ادریس حلی، سرائر، چاپ: بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰هـ - ۲۵۰)

روایات اسلامی نیز به این موضوع اشاره دارند؛ برای مثال، امام علی (ع) می‌فرماید: «القضاء علی ثلاثة: قاضٍ قضی بالباطل و هو یعلم فهو فی النار، و قاضٍ قضی بالباطل و هو لا یعلم فهو فی النار، و قاضٍ قضی بالحق فهو فی الجنة» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷). این روایت نشان می‌دهد که جهل قاضی به منابع شرعی، می‌تواند به خطای فاحش در قضاوت منجر شود.

بنابراین، شرط اجتهاد برای قاضی نه تنها تضمینی برای عدالت است، بلکه او را از اشتباهات احتمالی که نتیجه عدم آگاهی کامل از احکام شرعی است، مصون نگه می‌دارد. به همین دلیل، بسیاری از فقها مانند شیخ طوسی و علامه حلی بر این شرط تأکید کرده‌اند.



بخش دهم: روایات معصومین (ع)

روایات معصومین (ع) اهمیت آگاهی، اجتهاد و عدالت را در قضاوت به عنوان یکی از اساسی ترین امور در نظام اسلامی مورد تأکید قرار داده اند. در این روایات، معیار قاضی شایسته، علم و توانایی استنباط احکام از منابع شرعی ذکر شده است.

۱. روایت امام علی (ع): «القضاء علی ثلاثه: قاضٍ قضی بالباطل و هو یعلم فهو فی النار، و قاضٍ قضی بالباطل و هو لا یعلم فهو فی النار، و قاضٍ قضی بالحق فهو فی الجنة» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) این روایت به صراحت بر علم قاضی تأکید می کند و جهل به احکام شرعی را منجر به خطای قضاوت و هلاکت می داند. قاضی شایسته کسی است که با اجتهاد و آگاهی کامل، حکم به حق صادر کند.

۲. حدیث پیامبر اکرم (ص): «من جعل قاضياً من غیر علمٍ کان ما یصیب من القضاء إثمٌ علیه» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷) در این روایت، پیامبر (ص) قضاوت بدون علم و آگاهی را گناه دانسته و تأکید می کند که قاضی باید دارای دانش و توانایی استنباط احکام باشد.

۳. روایت امام صادق (ع): «إِذَا كَانَ الْقَضَاءُ بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى تَعْرِفَ كَيْفَ تَقْضِي» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۶) امام صادق (ع) در این روایت، شرط قضاوت را شناخت عمیق احکام شرعی معرفی کرده اند. این روایت بیانگر ضرورت اجتهاد قاضی برای صدور حکم صحیح است.

۴. روایت امام علی (ع): «من طلب القضاء و تسارع إليه من غیر علمٍ و لا معرفهٍ أَكْبَهُ الله فی النار» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) این روایت هشدار می دهد که قاضی نباید بدون علم و دانش وارد عرصه قضاوت شود، زیرا چنین عملی موجب بی عدالتی و هلاکت خواهد شد.

این روایات نشان می دهند که اجتهاد قاضی و آگاهی او از منابع شرعی، برای جلوگیری از خطا در قضاوت و حفظ عدالت، ضروری است. منابعی مانند نهج البلاغه و وسائل الشیعه به تفصیل به این موضوع پرداخته اند و می توانند ارجاعات محکمی برای تحلیل قضاوت در اسلام باشند.



بخش یازدهم: پیچیدگی و تنوع مسائل قضایی

مسائل قضایی به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیچیده هستند. قاضی مجتهد می‌تواند در چنین مواردی با استنباط پویا و بر اساس اصول شرعی، عدالت را اجرا کند. پیچیدگی و تنوع مسائل قضایی ناشی از عوامل متعددی است که هر یک بر روند قضاوت تأثیر می‌گذارند. این عوامل در جوامع مختلف با توجه به ساختارهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی تنوع دارند:

۱. تنوع موضوعات حقوقی: مسائل قضایی حوزه‌های مختلفی از حقوق خانواده، کیفری، مدنی، تجاری، و حقوق بین‌الملل را شامل می‌شود. هر حوزه دارای قواعد و اصول خاصی است که بررسی آن‌ها نیازمند تخصص است (کاتوزیان، ۱۳۸۰).
۲. تحولات اجتماعی و فناوری: پیشرفت فناوری موجب پیدایش جرایم جدیدی مانند هک، کلاهبرداری سایبری و سوءاستفاده از هوش مصنوعی شده است. این مسائل نیازمند تحلیل و استنباط به‌روز توسط قضات است (مطهری، ۱۳۸۵).
۳. تفاوت نظام‌های حقوقی: نظام‌های حقوقی مبتنی بر شریعت اسلامی، حقوق عرفی، و حقوق مدنی ممکن است در تفسیر و اجرای قوانین تعارضاتی داشته باشند. این تفاوت‌ها موجب پیچیدگی در مسائل قضایی می‌شود (علامه حلی، تبصرة المتعلمین).
۴. تنوع فرهنگی و اجتماعی: اختلافات فرهنگی میان گروه‌های مختلف جامعه در تفسیر مفاهیم عدالت و حقوق تأثیرگذار است. قاضی باید توانایی درک این تفاوت‌ها را برای تصمیم‌گیری مناسب داشته باشد (شریعتی، ۱۳۵۰).
۵. پیچیدگی پرونده‌های چندوجهی: پرونده‌های قضایی اغلب شامل ابعاد روان‌شناختی، اقتصادی، و حتی سیاسی هستند. این ابعاد می‌توانند روند قضاوت را دشوارتر کنند (شهید ثانی، شرح لمعة).



۶. لزوم اجتهاد در قضاوت: در نظام‌های اسلامی، شرط اجتهاد برای قضات به دلیل توانایی استنباط مسائل جدید و انطباق اصول کلی قانون با شرایط خاص الزامی است. این امر به قضات کمک می‌کند تا در مسائل بی‌سابقه نیز حکم صادر کنند (السبزواری، کفایه الأحکام).

۷. تغییرات در قوانین و مقررات: قوانین به‌طور مداوم تغییر می‌کنند تا با شرایط جدید اجتماعی سازگار شوند. این تغییرات موجب می‌شود که قضات همواره نیازمند به‌روزرسانی دانش خود باشند (امامی، ۱۳۶۸).

۸. تعدد نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی: در جهان امروز، اختلافات میان قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی باعث به وجود آمدن مسائل قضایی پیچیده‌ای می‌شود که نیاز به تخصص ویژه دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰).

ب استدلال‌های (دیدگاه متأخرین موافق) مانند صاحب جواهر و علامه طباطبایی حفظ استقلال قاضی

متأخرین مانند صاحب جواهر معتقدند قاضی باید توانایی صدور حکم مستقل داشته باشد و این امر تنها از طریق اجتهاد ممکن است. قاضی مقلد ممکن است در شرایط دشوار، به دلیل وابستگی به فتوای دیگران، توانایی حل مشکلات را نداشته باشد. دیدگاه متأخرین موافق با شرط اجتهاد برای قاضی، حفظ استقلال قاضی را یکی از دلایل مهم لزوم این شرط می‌دانند. آنان بر این باورند که اجتهاد، قاضی را از تقلید صرف و وابستگی به دیگران در استنباط احکام شرعی آزاد می‌کند و او را قادر می‌سازد تا بر اساس توانایی علمی خود به حل و فصل مسائل بپردازد.

۱. استقلال فکری: اجتهاد به قاضی امکان می‌دهد که بدون نیاز به ارجاع مستمر به مراجع تقلید یا نظرات دیگران، احکام مسائل جدید را استنباط کند (سبزواری، کفایه الأحکام).

۲. کاهش نفوذپذیری: یک قاضی مجتهد به دلیل دانش گسترده‌اش کمتر تحت تأثیر فشارهای سیاسی، اجتماعی یا دستورات مقامات قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۵).



۳. حل مسائل نوپدید: مسائل جدید و پیچیده در دنیای معاصر، اغلب خارج از چارچوب احکام سنتی هستند و قاضی برای استنباط حکم آن‌ها نیاز به اجتهاد دارد (علامه حلی، تبصرة المتعلمین).
۴. بی‌نیازی از وابستگی به نظرات دیگران: قاضی مجتهد می‌تواند شخصاً احکام لازم را استخراج کند و از وابستگی به دیگر مجتهدان یا نظام قضایی غیرشرعی رها باشد (شهید ثانی، شرح لمعة).
۵. ایجاد اعتماد عمومی: استقلال فکری قاضی مجتهد، اعتماد مردم به عدالت دستگاه قضایی را افزایش می‌دهد، زیرا تصمیم‌گیری او بر پایه علم و اجتهاد است، نه تقلید یا فشار خارجی (شریعتی، ۱۳۵۰).
۶. لزوم انطباق با مقتضیات زمان: متأخرین موافق شرط اجتهاد در قضاوت، لزوم انطباق با مقتضیات زمان را یکی از دلایل اصلی این شرط می‌دانند. به اعتقاد آنان، اجتهاد به قاضی توانایی می‌دهد که احکام شرعی را با نیازها و شرایط متغیر جامعه هماهنگ کند و عدالت را در بستر تحولات اجتماعی و فرهنگی تأمین نماید.
۱. پاسخ به مسائل نوظهور: در دوران معاصر، با پیشرفت فناوری و تغییرات اجتماعی، مسائل جدیدی پدید آمده‌اند که در متون سنتی به‌صراحت اشاره نشده است. قاضی مجتهد می‌تواند این مسائل را بر اساس اصول فقهی حل کند (مطهری، ۱۳۸۵).
۲. انعطاف‌پذیری در احکام: اجتهاد به قاضی این امکان را می‌دهد که با تکیه بر اصول کلی و قواعد ثانویه فقه، احکامی را که با مقتضیات زمان سازگار هستند، استنباط کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰).
۳. پویایی فقه اسلامی: اجتهاد ضامن پویایی و کارآمدی نظام حقوقی اسلامی در مواجهه با تغییرات زمانه است و از رکود و جمود فکری جلوگیری می‌کند (علامه حلی، تبصرة المتعلمین).

۵. تأمین عدالت در عصر مدرن: در جامعه‌ای که نیازهای حقوقی پیچیده‌تر و متنوع‌تر شده‌اند، قاضی مجتهد می‌تواند به گونه‌ای تصمیم‌گیری کند که عدالت و حقوق افراد به بهترین شکل رعایت شود (سبزواری، کفایه الأحکام).

متأخرین موافق شرط اجتهاد در قضاوت، عدالت شرعی و جلب اعتماد عمومی را از دلایل مهم این شرط می‌دانند. آنان بر این باورند که قاضی مجتهد با توانایی استنباط احکام شرعی و اجرای عدالت بر اساس اصول فقهی، هم حقوق افراد را تضمین می‌کند و هم اعتماد جامعه به دستگاه قضایی را تقویت می‌نماید.

۱. اجرای عدالت شرعی: قاضی مجتهد قادر است احکام شرعی را مستقیماً از منابع اصلی استخراج کرده و عدالت را بر اساس اصول دین اجرا کند، بدون آن که نیازمند تقلید یا پیروی از آرای دیگران باشد (سبزواری، کفایه الأحکام).
۲. بی طرفی در قضاوت: اجتهاد به قاضی امکان می‌دهد تا بر اساس علم و آگاهی شخصی، بدون تأثیرپذیری از فشارهای خارجی، احکام عادلانه صادر کند (مطهری، ۱۳۸۵).
۳. تضمین حقوق افراد: قاضی مجتهد با دقت در استنباط احکام می‌تواند از تضییع حقوق افراد جلوگیری کند و عدالت را در مسائل پیچیده و نوظهور برقرار سازد (شهید ثانی، شرح لمعه).
۴. اعتماد عمومی به دستگاه قضایی: جامعه‌ای که می‌داند قاضی بر اساس علم اجتهادی و اصول فقهی حکم می‌دهد، به عدالت قضایی اعتماد بیشتری خواهد داشت (علامه حلی، تبصرة المتعلمین).



۵. جلوگیری از خطا در استنباط: قاضی مجتهد به دلیل تسلط بر قواعد فقهی و اصول استنباط، احتمال خطا در صدور حکم را کاهش داده و اعتماد به عدالت قضایی را تقویت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰).

الف استدلال‌های (دیدگاه قدما مخالف) مانند قاضی نعمان در فقه اسماعیلی و برخی فقه‌های اهل سنت جایگزینی تقلید با اجتهاد

این دیدگاه معتقد است که قاضی می‌تواند به فتاوای فقه‌های جامع‌الشرایط مراجعه کند و نیازی نیست خود قاضی اجتهاد داشته باشد. تقلید در عبادات و معاملات جایز است، بنابراین در قضاوت نیز می‌تواند کافی باشد. متأخرین موافق شرط اجتهاد در قضاوت، عدالت شرعی و جلب اعتماد عمومی را از دلایل مهم این شرط می‌دانند. آنان بر این باورند که قاضی مجتهد با توانایی استنباط احکام شرعی و اجرای عدالت بر اساس اصول فقهی، هم حقوق افراد را تضمین می‌کند و هم اعتماد جامعه به دستگاه قضایی را تقویت می‌نماید.

قاضی مجتهد قادر است احکام شرعی را مستقیماً از منابع اصلی استخراج کرده و عدالت را بر اساس اصول دین اجرا کند، بدون آن که نیازمند تقلید یا پیروی از آرای دیگران باشد. (سبزواری، کفایة الأحکام)

اجتهاد به قاضی امکان می‌دهد تا بر اساس علم و آگاهی شخصی، بدون تأثیرپذیری از فشارهای خارجی، احکام عادلانه صادر کند (مطهری، ۱۳۸۵)

قاضی مجتهد با دقت در استنباط احکام می‌تواند از تضییع حقوق افراد جلوگیری کند و عدالت را در مسائل پیچیده و نوظهور برقرار سازد (شهید ثانی، شرح لمعه)

جامعه‌ای که می‌داند قاضی بر اساس علم اجتهادی و اصول فقهی حکم می‌دهد، به عدالت قضایی اعتماد بیشتری خواهد داشت (علامه حلی، تبصرة المتعلمین).

قاضی مجتهد به دلیل تسلط بر قواعد فقهی و اصول استنباط، احتمال خطا در صدور حکم را کاهش داده و اعتماد به عدالت قضایی را تقویت می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰).



بخش سیزدهم: روایات تاریخی درباره نصب قضات

برخی از قضات منصوب شده توسط پیامبر (ص) و ائمه (ع) مجتهد نبودند. برای مثال، ماجرای نصب معاذ بن جبل به عنوان قاضی از سوی پیامبر (ص) مطرح است که در آن معاذ از پیامبر پرسید اگر در قرآن و سنت حکمی نیابد چه کند، و پیامبر پاسخ او را تأیید کرد که بر اساس نظر خود حکم کند. این نشان دهنده انعطاف در شرط اجتهاد است.

متأخرین موافق شرط اجتهاد در قضاوت، عدالت شرعی و جلب اعتماد عمومی را از دلایل مهم این شرط می‌دانند. آنان بر این باورند که قاضی مجتهد با توانایی استنباط احکام شرعی و اجرای عدالت بر اساس اصول فقهی، هم حقوق افراد را تضمین می‌کند و هم اعتماد جامعه به دستگاه قضایی را تقویت می‌نماید. (السيرة النبوية، ج ۲، ص ۱۴۵، چاپ: بیروت دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۵)

بخش چهاردهم: اجرای احکام ثابت

یکی از استدلال‌های مهم قدمای مخالف شرط اجتهاد در قضاوت، اجرای احکام ثابت است. این دیدگاه بر این باور است که بسیاری از مسائل قضایی دارای احکام روشن و ثابت در متون دینی هستند که قاضی بدون نیاز به اجتهاد می‌تواند آنها را به‌طور دقیق اجرا کند. به عبارت دیگر، بر اساس این استدلال، تنها کافی است قاضی به احکام قطعی و ثابت که از قرآن، سنت یا اجماع بدست آمده است، استناد کند، بدون آنکه نیاز به اجتهاد فردی داشته باشد.

۱. احکام قطعی قرآن و سنت: برخی از فقها مانند قاضی نعمان در فقه اسماعیلی و برخی فقهای اهل سنت معتقدند که بسیاری از مسائل قضایی در قرآن و سنت به‌طور روشن و قطعی بیان شده‌اند و نیازی به اجتهاد قاضی در این موارد نیست. برای مثال، احکام مربوط به ارث، حدود و تعزیرات در قرآن و سنت به‌طور دقیق و شفاف آمده‌اند و قاضی باید فقط این احکام را اجرا کند. در این موارد، اجتهاد قاضی تنها در مواردی لازم است که مسأله‌ای جدید یا پیچیده به وجود آید که نصوص صریحی برای آن وجود ندارد.

۲. اجرای احکام ثابت: مخالفان اجتهاد قاضی تأکید دارند که در بسیاری از موارد، احکام ثابت فقهی وجود دارد که قاضی می‌تواند با استناد به این احکام، قضاوت کند. برای مثال، در مسائل عباداتی همچون نماز،



روزه، و زکات، قوانین به‌طور مستقیم و بدون نیاز به اجتهاد مشخص شده‌اند. این موارد برای اجرای عدالت کافی هستند و نیازی به استنباط اجتهادی از جانب قاضی وجود ندارد.

۳. اجماع فقها: در این استدلال، به اجماع فقها نیز اشاره می‌شود که در برخی از مسائل فقهی که از زمان پیامبر (ص) ثابت شده‌اند، تغییرات و نوآوری‌های جدیدی مورد نیاز نیست. به‌عنوان مثال، حکم قصاص، حدود و دیات از جمله احکام قطعی و ثابت در فقه اسلامی هستند که قاضی تنها باید این احکام را بدون نیاز به اجتهاد فردی اجرا کند. (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۷، چاپ: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۰هـ)

۴. دلیل دیگر بر این نظر، حدیث معصومین است: امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر در مورد قضاوت چنین می‌فرماید: «وَلَا تَجْزِي النَّازِلَةُ فِي الشَّرْعِ إِلَّا بِأَحَدِي دَلَائِلِهِ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) این روایت به این نکته اشاره دارد که وقتی نصوص شرعی روشن است، نیازی به اجتهاد و استنباط جدید نیست.

۵. استناد به سیره عملی معصومین (ع): در سیره معصومین (ع)، شاهی از قضات غیرمجتهد و مقلد یافت می‌شود که در کنار نصب و هدایت‌های کلی از سوی امامان، اجرای بسیاری از احکام بدون نیاز به اجتهاد فردی انجام می‌گرفت. این استدلال به‌ویژه در مورد قضات منصوب از سوی امام علی (ع) و پیامبر (ص) مطرح می‌شود که بر اساس فتاوی معصومین حکم صادر می‌کردند.

در نتیجه، قدمای مخالف اجتهاد قاضی بر این باورند که بسیاری از مسائل قضایی دارای احکام ثابت و قطعی از قرآن و سنت هستند که قاضی می‌تواند آنها را اجرا کند. تنها در مسائلی که نصوص صریحی وجود نداشته باشد، نیاز به اجتهاد و استنباط جدید است.

ب (استدلال‌های دیدگاه متأخرین مخالف) مانند آیت‌الله خویی

یکی از استدلال‌های فقهای متأخر که با شرط اجتهاد قاضی مخالفت کرده‌اند، به کارآمدی و ضرورت عملی نظام قضایی مربوط می‌شود. این دیدگاه بر این باور است که اصرار بر اجتهاد قاضی ممکن است در عمل موجب محدود شدن تعداد قضات و اختلال در کارکرد دستگاه قضایی شود. در جوامع اسلامی



معاصر که مسائل حقوقی و قضایی پیچیدگی بیشتری یافته‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که همه قضات مجتهد باشند، زیرا فرآیند اجتهاد نیازمند سال‌ها آموزش و تجربه است .

۱. **ضرورت گستردگی نظام قضایی:** متأخرین مخالف اجتهاد قاضی بر این نکته تأکید می‌کنند که با توجه به تعداد زیاد پرونده‌های قضایی و نیاز به قضات متعدد، الزام اجتهاد می‌تواند سبب کمبود نیروی انسانی شود. این امر ممکن است عدالت اجتماعی را به تعویق بیندازد و حقوق افراد را تحت‌الشعاع قرار دهد. (آیت‌الله خوئی، المبین فی الفقه الاسلامی، ج ۲، ص ۱۷۸، چاپ: قم، دارالتوحید، ۱۴۲۰هـ)

۲. **استفاده از قوانین مدون:** یکی دیگر از استدلال‌های این دیدگاه این است که در نظام‌های قضایی معاصر، قوانین مدون و مشخص بر اساس اجتهاد فقها تهیه شده و قاضی نیازی به اجتهاد مستقل ندارد. قاضی صرفاً موظف است با استناد به این قوانین، احکام شرعی را اجرا کند. (کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، چاپ: تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰: ۵۰۳)

۳. **روایت مرتبط با قضاوت مأذون:** امام صادق (ع) در حدیثی فرمودند: «اجعلوا بَیْنَكُمْ رَجُلًا قَدْ عَرَفَ حَلَالًا وَ حَرَامًا فَإِنَّا قَدْ جَعَلْنَاهُ عَلَيْكُمْ قَاضِيَةً» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷) این روایت نشان می‌دهد که قضاوت فرد آگاه به احکام نه الزاماً مجتهد می‌تواند در چارچوب مأذونیت شرعی معتبر باشد .

۴. **تشکیل تیم‌های تخصصی قضایی:** فقهای متأخر پیشنهاد می‌کنند که در نظام‌های مدرن، می‌توان از مشاوران و متخصصان فقهی در کنار قضات غیرمجتهد استفاده کرد تا تفسیر و تطبیق قوانین شرعی به‌درستی صورت گیرد. به این ترتیب، نیاز به اجتهاد انفرادی برای هر قاضی برطرف می‌شود. (آیت‌الله خوئی، المبین فی الفقه الاسلامی، ج ۵، ص ۱۲۳، چاپ: قم، دارالتوحید، ۱۴۲۱هـ)

۵. **کارآمدی عملی در تطبیق قوانین:** برخی متأخرین معتقدند که تأکید بیش‌ازحد بر اجتهاد فردی قاضی، باعث کاهش بهره‌وری سیستم قضایی می‌شود. آنها بر این باورند که قوانین مدون بر اساس اجتهاد فقیهان برجسته تهیه شده و قاضی تنها باید توانایی تطبیق این قوانین را داشته باشد، نه اجتهاد مستقل.



• استدلال متأخرین مخالف اجتهاد قاضی: روایات تأییدکننده قضاوت مقلدان

یکی دیگر از دلایل متأخرین مخالف شرط اجتهاد برای قاضی، استناد به روایاتی است که مشروعیت قضاوت افراد مقلد یا کسانی که به احکام شرعی آگاهی کافی دارند نه الزاماً مجتهد را تأیید می‌کند. این روایات نشان می‌دهند که قضاوت محدود به مجتهدان نیست و مقلدان آگاه نیز می‌توانند با رعایت قوانین شرعی به قضاوت بپردازند.

روایت امام صادق (ع): (اجعلوا بینکم رجلاً قد عرف حلالنا و حرامنا، فإنی قد جعلته علیکم قاضیا) (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷) این روایت تأکید می‌کند که قاضی باید حلال و حرام را بشناسد، اما الزاماً مجتهد بودن او شرط نیست. آگاهی از احکام شرعی برای قضاوت کفایت می‌کند، که این امر شامل افراد مقلد آگاه نیز می‌شود.

۳. کاربرد این روایات در فقه معاصر: برخی از متأخرین مانند آیت‌الله خویی و آیت‌الله مکارم شیرازی معتقدند این روایات صراحتاً نشان می‌دهند که قضاوت مقلدان آگاه به احکام شرعی مشروعیت دارد. بر اساس این دیدگاه، نیازی نیست همه قضات در نظام قضایی مجتهد باشند، بلکه با استفاده از قوانین مدون فقهی می‌توان قضاوت را به افراد مقلد نیز واگذار کرد. (آیت‌الله خویی، ج ۴، ص ۱۵۰، چاپ: قم، دارالتوحید، ۱۴۲۰هـ.) (مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۳۱۲، چاپ: قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۰هـ.)

۴. امکان مراجعه به مجتهدان: متأخرین بر این باورند که در صورت بروز مسائل پیچیده یا عدم قطعیت، قضات مقلد می‌توانند به فتاوی مجتهدان برجسته مراجعه کرده و بر اساس آنها حکم صادر کنند. این روش علاوه بر کارآمدی، مشروعیت شرعی نیز دارد.

۵. سیره معصومین: در زمان پیامبر (ص) و امام علی (ع) افرادی به قضاوت منصوب می‌شدند که به اجتهاد کامل نرسیده بودند اما توانایی شناخت حلال و حرام را داشتند. این سیره تاریخی نشان می‌دهد که شرط اجتهاد برای قضاوت همواره الزام‌آور نبوده است.



روایات تأییدکننده قضاوت مقلدان نشان می‌دهند که در نظام قضایی اسلامی، افراد مقلد و آگاه به احکام شرعی نیز می‌توانند قضاوت کنند. این استدلال، یکی از دلایل متأخرین برای عدم شرط اجتهاد قاضی در نظام‌های مدرن است که با استفاده از قوانین مدون و نظارت فقهی، عدالت را تضمین می‌کند.

بخش پانزدهم: تحلیل و مقایسه

۱. قدما و متأخرین موافق اجتهاد: نگاه قدما به اجتهاد به عنوان شرط ذاتی عدالت در قضاوت است. متأخرین نیز با تأکید بر ضرورت اجتهاد پویا در مواجهه با موضوعات جدید، این شرط را حفظ کرده‌اند.
۲. قدما و متأخرین مخالف اجتهاد: قدما مخالف اجتهاد، قائل به تقلید بودند، اما متأخرین با نگاه به نیازهای عملی و ضرورت‌های نظام حقوقی مدرن، شرط اجتهاد را الزامی نمی‌دانند.

بند اول: مقایسه قضاوت مجتهد و قاضی مقلد

الف) قاضی مجتهد

۱. توانایی استنباط: قاضی مجتهد می‌تواند احکام را مستقیماً از منابع استخراج کند.
۲. انعطاف‌پذیری در مسائل جدید: قاضی مجتهد می‌تواند با توجه به شرایط زمان و مکان، احکام متناسب را صادر کند.
۳. استقلال فکری: قاضی مجتهد نیازی به تقلید ندارد و احکام او بر اساس دانش شخصی‌اش است.

ب) قاضی مقلد

۱. محدودیت در صدور حکم: قاضی مقلد ناچار است به فتاوی‌ای دیگران یا قوانین مدون اکتفا کند.
۲. عدم تطابق با شرایط جدید: قاضی مقلد ممکن است نتواند با مسائل نوین سازگار شود.
۳. وابستگی به مجتهدان دیگر: قاضی مقلد استقلال علمی ندارد و باید به نظرات دیگران رجوع کند.



بند دوم: آثار و پیامدهای رعایت یا عدم رعایت شرط اجتهاد در قضاوت

الف) آثار مثبت رعایت شرط اجتهاد

۱. اجرای عدالت واقعی: قاضی مجتهد با دانش عمیق خود می‌تواند احکام عادلانه‌ای صادر کند.
۲. اطمینان مردم به نظام قضایی: وجود قضاتی با توانایی اجتهاد، اعتماد مردم به عدالت قضایی را افزایش می‌دهد.
۳. تطبیق شریعت با شرایط جدید: قاضی مجتهد می‌تواند احکام را متناسب با تحولات اجتماعی تطبیق دهد.

ب) پیامدهای منفی عدم رعایت شرط اجتهاد

۱. افزایش خطا در احکام: قاضی غیرمجتهد ممکن است دچار اشتباه در استنباط احکام شود.
۲. ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه: اگر قاضی فاقد توانایی اجتهاد باشد، ممکن است مردم به عدالت قضایی بی‌اعتماد شوند.
۳. انحراف از اصول شریعت: نبود اجتهاد می‌تواند به صدور احکام ناسازگار با شریعت منجر شود.

نتیجه‌گیری

بحث درباره شرط اجتهاد در قضاوت یکی از موضوعات بنیادین فقه اسلامی است که نظرات متنوع و مستدل فقهای شیعه و اهل سنت را در بر می‌گیرد. اجتهاد به‌عنوان بالاترین درجه علمی و فقهی در میان قضات، فضیلتی برجسته محسوب می‌شود که امکان استنباط مستقیم احکام شرعی را از منابع اصلی فراهم می‌کند. با این حال، اجتهاد مطلق به‌عنوان یک شرط ضروری برای تمامی قضات، همواره مورد اختلاف بوده است.



از دیدگاه شیعه، با استناد به نصوص قرآن و روایات معصومین (ع)، اجتهاد شرطی اساسی برای قاضی است، زیرا علم مستقیم به احکام شرعی، دقت در اجرا و پیشگیری از خطا را تضمین می‌کند. به‌ویژه در نظام فقهی که بر تفسیر دقیق و بی‌واسطه از نصوص تأکید دارد، حضور قضات مجتهد به‌عنوان بازوی اصلی عدالت اهمیت حیاتی دارد.

از سوی دیگر، اهل سنت اجتهاد را شرط ایده‌آلی می‌دانند اما آن را برای تمامی قضات الزامی نمی‌شمارند. براساس رویکرد عملی آنان، قاضی مقلد نیز در صورت آشنایی کافی با احکام شرعی و بهره‌گیری از قوانین مدون یا نظرات فقهای مجتهد می‌تواند عدالت را برقرار کند. این دیدگاه، به‌ویژه در جوامع بزرگ و پیچیده، کارآمدی نظام قضایی را افزایش می‌دهد و عدالت را از محدودیت نیروی انسانی نجات می‌دهد.

آنچه از این دو دیدگاه برداشت می‌شود این است که شرط اجتهاد در قضاوت از دو منظر قابل بررسی است:

۱. دیدگاه ایده‌آل‌گرایانه: که در آن اجتهاد شرطی الزامی برای قضاوت دانسته می‌شود (دیدگاه شیعه).

۲. دیدگاه عمل‌گرایانه: که به‌جای الزام اجتهاد، بر توانایی علمی قاضی در شناخت و اجرای احکام شرعی تأکید دارد (دیدگاه اهل سنت).

این اختلاف نظر، انعکاسی از تفاوت‌های ساختاری، اجتماعی و فلسفی در دو مکتب فکری است. شیعه، به دلیل تأکید بر حضور مرجعیت دینی در تمامی سطوح اجرایی، شرط اجتهاد را ضروری می‌داند تا اتصال مستقیم قاضی با منبع اصلی احکام برقرار باشد. در مقابل، اهل سنت به دلیل توسعه گسترده جوامع و نیاز به تعداد بیشتری قاضی، دیدگاهی انعطاف‌پذیرتر اتخاذ کرده است.

برای دقت و صحت قضاوت مطرح است که موجب جلوگیری از خطا در اجرای احکام شرعی می‌شود. در مقابل، مخالفان الزام اجتهاد، بر کارآمدی و انعطاف‌پذیری نظام قضائی تأکید دارند و بر این باورند که نیازی به اجتهاد برای تمامی قضات نیست و می‌توان از قوانین مدون و فتاوای موجود برای قضاوت استفاده کرد.



با توجه به نیاز جوامع اسلامی به یک نظام قضائی کارآمد و گسترده، به نظر می‌رسد که در دنیای معاصر، می‌توان به سمت ترکیبی از این دو دیدگاه حرکت کرد. در این رویکرد، قضات مجتهد در مسائل پیچیده و جدید و قضات مقلد در موارد روزمره و مبتنی بر قوانین مدون می‌توانند ایفای نقش کنند. این رویکرد، هم به تحقق عدالت کمک می‌کند و هم سیستم قضائی را در برابر چالش‌های جدید آماده می‌سازد. در نهایت می‌توان گفت که اختلاف نظر درباره شرط اجتهاد در قضاوت، بازتابی از تفاوت‌های معرفتی، اجتماعی و ساختاری در دو مکتب فکری شیعه و اهل سنت است. در هر دو دیدگاه، هدف اصلی قضاوت تحقق عدالت، اجرای احکام الهی و حفظ حقوق مردم است. بنابراین، اتخاذ یک رویکرد ترکیبی که هم بر تخصص فقهی مجتهدان و هم بر انعطاف‌پذیری عملی تأکید کند، می‌تواند راهکاری جامع و سازگار با شرایط قضایی مدرن ارائه دهد.



منابع و مأخذ

- ۱- سبزواری، محمدباقر. کفایه الأحكام.
- ۲- مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام. انتشارات صدرا، ۱۳۸۵.
- ۳- علامه حلی. تبصرة المتعلمین فی احکام الدین.
- ۴- شهید ثانی. شرح لمعه دمشقیة.
- ۵- شریعتی، علی. اسلام شناسی
- ۶- کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی. نشر میزان، ۱۳۸۰.
۷. امام علی (ع)، نهج البلاغه، نامه ۵۳ و ۷، چاپ: بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰هـ.
۸. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷_
۹. المبسوط، شیخ طوسی_
۱۰. السرائر، ابن ادریس حلی
۱۱. جواهر الکلام
۱۲. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام
۱۳. تحریر الوسیله
۱۴. شهید اول و ثانی
۱۵. انوار الفقاهه فی شرح العروه الوثقی
۱۶. آیت الله خویی در مصباح الفقاهه

لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژوهتر ها علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین



اکانت ایتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵



معاونت ملی و شورای عالی ایران
 تحت پوشش خبری صداوسیما

